مدیریت زیست محیطی و توسعه پایدار: قوانین زیست محیطی (بخش سوم)

مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی

بسیاری از کشورها قوانین زیست محیطی را بسرعت‏ تصویب کرده‏اند.ولی متأسفانه،اجرای آنها همیشه‏ امکانپذیر نبوده است زیرا که یا بیش از اندازه بلند- پروازانه و غیر واقعی بوده یا اینکه از ابزار مؤثر و حمایت نهادی برخوردار نیستند.افزون بر آن، برخی قوانین به خاطر ناسازگاری با واقعیت‏ اقتصادی کشور یا منطقه موفق نبوده است و یا به‏ خاطر در نظر گرفتن قابلیتهای نهادی جامعه که‏ باید آنها را اجرا کند با شکست روبرو می‏شد.به طور کلی،قوانین زیست محیطی در کشورهای در حال‏ توسعه سریعتر از فعالیتهای مدیریتی و اجرایی‏ پیشرفت داشته است.با این حال،اجرای این‏ گونه قوانین بسیار دشوار بوده است.تجربه نشان‏ می‏دهد که هر چقدر قانون یا خطمشی کلی‏تر باشد، کمتر از آن استفاده می‏شود.

ایجاد نهاد

در اجلاسهای بین المللی،بیشتر کشورهای‏ در حال توسعه پیوسته اظهار کرده‏اند که یکی از اولویتهای مهم زیست محیطی آنها ایجاد ظرفیت‏ و تقویت نهادی است.حتی اگر قوانین محیطی‏ عالی و مقررات و انگیزه‏های اقتصادی وجود داشته‏ باشد،تنها با وجود و کمک نهادهای زیست محیطی‏ مناسب است که هر نوع برنامهء مدیریتی می‏تواند موفق شود.در انجام این کار عواملی لازم است از جمله: -وجود افرادی که از توانائی طراحی سیاستها و مقررات زیست محیطی برخوردار بود،و حضور کارشناسان فنی که بتوانند مسائل محیطی را کاهش بدهند و بر عملکرد زیست محیطی نظارت‏ داشته باشند.

-وجود مقامات محیط زیست ملی،منطقه‏ای و محلی‏ در ساختارهای دولت با قدرت قانونی برای اعمال‏ قوانین محیطی و اتخاذ تصمیم در سطوح مختلف، و

-آزمایشگاهها،تجهیزات زیرساخت و منابع‏ اقتصادی معتبر برای نظارت کارگاهی،ارزیابی‏ و پژوهش.

عوامل تدوین استراتژیهای‏ مدیریت محیطی

"استراتژی مدیریت محیطی‏"طرحی از فعالیتهای سازمان یافته است که هدف از آن حمایت، حفظ و ارتقای محیط زیست در طول زمان و به طور پایدار می‏باشد.ویژگی اصلی‏"استراتژی‏مدیریت‏ محیطی‏"این است که تمام اقدامهای حمایتی و عوامل لازم برای اجرای آن را تعیین می‏کند.در این استراتژی 3 عامل عمدهء زیر باید وجود داشته‏ باشد:الف)تعیین هدفها،ب)تدوین استراتژی‏ عملی،و پ)وجود پشتیبانی فنی،اقتصادی و نهادی

الف-تعیین هدفها

همان طور که پیشتر اشاره شد،هدف از"مدیریت زیست محیطی‏"در یک کشور لزوما عبارت است از: حمایت از محیط زیست،بهبود و حفظ منابع طبیعی‏ و اکو سیستمهای تخریب شده و کمک در دستیابی به‏ هدفهای اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی ملی و منطقه‏ای.این نوع استراتژیها باید هدفهای محیطی‏ مشخص را،که همزمان باعث کمک در دستیابی به‏ هدفهای ملی می‏شود،تعیین کند.برای مثال، اتخاذ برنامهء"مدیریت بیولوژیکی آفت‏"می‏تواند سلامتی مردم را بهبود بخشد،وابستگی به مواد شیمیائی ضد آفت را کاهش دهد و در نهایت موجب‏ افزایش محصولات کشاورزی شود.

ب-تدوین استراتژی عملی‏ 1-درک محیط اجتماعی-اقتصادی‏ و اکولوژیکی

نخستین گام در طراحی استراتژی عملی محیطی که‏ مؤثر و واقع‏بینانه باشد عبارت است از درک بافت‏ اجتماعی،فعالیتهای اقتصادی و ویژگیهای اکولوژیکی‏ آن ناحیه.برای این کار باید اقدامات زیر انجام‏ شود:

تعیین و درک نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم- اگر آنها در گروههای مناسب حضور داشته باشند، شیوه‏های مشارکتی موجب ارائه دقیق‏ترین‏ اطلاعات می‏شود.جزئیات راجع به شرایط محیطی‏ محلی و ارتباط مردم با محیط زیستشان نیز باید گردآوری شود.

شناسائی بازیگران اصلی-که می‏توان از دولتها، بخش خصوصی،سازمانهای اجتماعی و غیر دولتی، سازمانهای بین المللی،نهادهای تامین مالی‏ عمرانی و افرادی که اولویتهای محیطی خود را به‏ صورت انفرادی بیان می‏کنند نام برد.

بررسی سیاستها و مقررات اقتصادی و قانونی- برای مثال،تعیین نوع سوبسید اقتصادی که موجب‏ افزایش مصرف برخی منابع و محصولات می‏شود (مانند سوختهای فسیلی)و تعیین قوانینی که‏ فعالیتهای بخشی را تنظیم می‏کند مانند معدن، توسعهء انرژی،کشاورزی و توسعه صنعتی.

درک چگونگی عملیات زیست محیطی-برای‏ مثال،مراکز ساحلی پرورش میگو در صورتی می‏تواند موفق باشد که پویایی آب،مرداب و دریا متعادل‏ باشد،و این کار مهمتر او همه مستلزم حمایت از از جنگلهای کرنا در مجاورت این مراکز است.

2-احترام به طبیعت

برخی از گروههای اجتماعی مدتها بر این باور بودند که از محیط زیست باید برای برآوردن نیازها و آرزوهای مردم استفاده کرد.ولی بین مردم و محیط زیست طبیعی آنها همبستگی وجود دارد.مبنای‏ هم کنش میان مردم و طبیعت،که از لحاظ زیست‏ محیطی محکم و پایدار باشد،باید بر قوانین طبیعی‏ که حاکم بر محیط است استوار باشد.برای نمونه، اگر منابع دریایی مورد بهره‏برداری قرار گیرند، توجه به زمان لازم برای پر کردن دوبارهء ذخایر آن بسیار اهمیت دارد.

3-طرح حمایت زیست محیطی و افزایش منابع

طرح حمایت زیست محیطی و افزایش منابع‏ موارد زیر را در بر می‏گیرد:طراحی برنامه‏ها و فعالیتهای ویژه،شناسایی حلقه‏های ارتباطی‏ فعالیتهای پیشنهادی با سایر فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی،جدول زمانی برای اجرا،و در نهایت‏ ارزیابی منابع مورد نیاز و تصمیمهایی که باید برای‏ اجرای فعالیتهای پیشنهاد شده اتخاذ شود.برای‏ ایجاد مرکز پژوهش زیست محیطی باید تلاش کرد، زیرا دخالت مطلوب محیطی معمولا بدون اطلاعات‏ مربوطه نمی‏تواند صورت گیرد.برای مثال،طرح‏ ملی حمایت از محیط زیست ممکن است جلوگیری از فرسایش خاک را در بر بگیرد.برنامهء مدیریت محیطی‏ باید پیوندهای میان استفاده از آب و شیوه‏های‏ کشاورزی،سیاستهای اسکان بشر و وقوع فجایع‏ طبیعی مانند گردبادها،تندبادها و خشکسالیها را معین کند.

4-تهیهء اطلاعات دقیق در مورد محیط زیست

در مدیریت محیطی مناسب،تصمیمها باید بر اساس اطلاعات دقیق و معتبر از پیوندهای میان‏ محیط زیست و سایر بخشها اتخاذ شود.

متأسفانه،اطلاعات دقیق زیست،محیطی غالبا در کشورهای در حال توسعه در دسترس نیست.در چند سال گذشته،کیفیت اطلاعات محیطی بهبود یافته ولی هنوز کفایت نمی‏کند،در مورد وسعت‏ جنگلها،شرایط برخی از دریاها و الگوهای استفاده‏ از زمین برخی اطلاعات وجود دارد.اطلاعات‏ دست اول اضافی را غالبا می‏توان از منابع محلی‏ مانند گروههای استفاده‏کنندهء بومی به بهترین‏ صورت بدست آورد.ولی در مورد میزان گسترش‏ بیابانها،شرایط چراگاهها،اراضی کشاورزی و سایر الگوهای مهم استفاده از زمین هنوز اطلاعات‏ نسبتا کاملی در دسترس نیست،و راجع به آلودگی‏ اقیانوسها،فعالیتها و قابلیت دستیابی به منابع‏ آبهای زیرزمینی،تغییر آب و هوا و آثار دراز مدت‏ پسمانده‏های سمی نیز اطلاعات معتبر اندکی وجود دارد.

سیاستگذاران غالبا باید در مورد موضوعهایی‏ تصمیم بگیرند که هیچ اطلاعات روشنی پیرامون آنها وجود ندارند و یا اینکه دانشمندان با آنها مخالفند. در برخی موارد،از"اصل احتیاطی‏"می‏توان‏ استفاده کرد.به موجب این اصل منابع کنونی باید در برابر پیامدهای احتمالا مضر برخی تصمیمها در آینده محافظت شوند.با این حال،همیشه روشن‏ نیست که این اصل چگونه باید به عدم قاطعیت این پیامدها مربوط باشد.به طور کلی،اصل مزبور برای تصمیمهایی به کار گرفته می‏شود که احتمال‏ توزیع پیامدهای آینده را به طور قطعی نتوان تعیین‏ کرد.در واقع آنچه که ممکن است معلوم باشد، احتمال یک پیامد فاجعه‏آمیز بالقوه است که هیچ‏ نوع اطلاعاتی در مورد ماهیت،زمان یا وقوع آن وجود ندارد.

با توجه به پیشرفت دانش علمی و در نتیجه‏ افزایش ارزیابی زیست محیطی،این امکان وجود دارد که با شناسایی و روابط ما بین عواملی که به‏ تغییر محیطی کمک می‏کند و همچنین با استفاده از اقدامات اصلاحی،بتوان تصمیمهای بیشماری در مورد مدیریت زیست محیطی معقول اتخاذ کرد.

ارتباط میان فعالیتهای صنعتی و حفظ گونه‏های‏ مورد تهدید نمایانگر اهمیت اطلاعات راجع به‏ پیوندهای زیست محیطی است،برای مثال، تشخیص این مسئله نسبتا ساده بود که شکار نهنگهای دریای شمال خطر نابودی تمام‏ گونه‏های حیوانات دریائی را در پی دارد.تبلیغات‏ موفقیت‏آمیزبرای حمایت از نهنگها موجب شد تا جمعیت نهنگهای دریای شمال بین سالهای‏ 1978 تا 1988 سالانه تا 3 درصد افزایش پیدا کند.

با این حال،بر پایهء گزارش‏"برنامهء محیط زیست‏ سازمان ملل‏"،هم اکنون نهنگها با خطر دکلهای‏ حفاری نفت،که در طول سواحل آلاسکا قرار دارند، روبرو هستند.به گفتهء دانشمندان سر و صدای ناشی‏ از فعالیت این دکلها موجب قطع ارتباط پیچیدهء "آوایی‏"نهنگها می‏شود که در نتیجه در مهاجرت‏ بهاره و عادات زاد و زایش آنها اختلال ایجاد می‏کند.

نمونهء دیگری از پیوندهای زیست محیطی را در کنیا می‏توان مشاهده کرد.مسیر اصلی مهاجرت‏ حیوانات وحشی در این کشور به خاطر توسعهء انسانی‏ رو به نابودی می‏رود.کارشناسان کنترل زندگی‏ وحوش از این بیم دارند که اگر کشاورزی و توسعه‏ نواحی مسکونی باعث شود تا مسیر تماس بین‏ چراگاههای فصول مرطوب و خشک کاهش یابد، در آن صورت پارک ملی نایروبی قادر نخواهد بود از هر چیزی،مانند تنوع زندگی وحش،حمایت کند. در نتیجه،درآمد توریستی این پارک کاهش می‏یابد.

پ-پشتیبانی فنی،مالی و نهادی

پشتیبانی فنی مورد نیاز"استراتژی مدیریت‏ محیطی دو مورد زیرا را در بر می‏گیرد:نهادهایی که‏ بوسیلهء کارشناسان و مدیران ارائه می‏شود(برای‏ مثال،کارشناسان رشته‏های بیوتکنولوژی،علوم‏ دریایی،شیمی،اقتصاد محیطی،مدیریت منابع‏ آب)،و تکنولوژیهای واقعی که برای احراز استراتژی‏ مزبور بکار می‏رود.

حمایت مالی،وجوه مورد نیاز اجرای این فعالیتها را در بر می‏گیرد.و در آخر،حمایت نهادی عبارت‏ است از ترکیبات و کمک فنی و اداری کافی برای اجرای‏ استراتژی.یکی از عوامل مهم در اینجا،شناسایی‏ پیوندها و وجوه مشترک بین بخشهای گوناگون‏ دولتی و هماهنگ کردن فعالیت این نوع نهادهاست.

برای مثال،اگر قرار باشد"استراتژی مدیریت‏ محیطی‏"موفقیت‏آمیز به افزایش بهره‏وری مواد غذایی بیانجامد،وجود عوامل زیر ضرورت دارد: کارشناسانی در زمینهء کشاورزی،کشت دریایی، آبیاری،مدیریت زمین،سازمان دهقانان و علم‏ اقتصاد،منابع مالی برای تامین کارشناسی و اجرای‏ فعالیتهای مورد انتظار،و چارچوب سیاستی مناسب‏ همراه با حمایت نهادی از جمله هماهنگی سوبسیدهای‏ کشاورزی و آبیاری و سایر سیاستهایی که استفاده از برخی نهاده‏ها مانند مواد دفع آفات و کودهای‏ شیمیائی را کنترل می‏کند.

مأخذ:کتاب راهنمای مدیریت محیطی و توسعهء پایدار،یو،ان،دی،پی